

امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک

دریافت مقاله: ۹۰/۸/۹ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۳

صفحات: ۱۰۶-۸۵

مراد کاویانی راد: استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی تهران^۱

Email: kaviani@tmu.ac.ir

چکیده

پیامدهای اجتماعی و سیاسی برخاسته از فروسایبی محیطی، گرمایش جهانی و کشمکش بر سر منابع طبیعی، محیط زیست را کانون مطالعات امنیتی سده بیست و یکم قرار داده به گونه‌ای که ناامنی بوم‌شناسی و نابودی بُن‌مایه‌های زیست‌کره به عنوان بخشی از تهدیدات غیر سنتی با جُستار امنیت انسانی پیوند استواری یافته است. طی دو دهه اخیر، دانش ژئوپلیتیک، به فراخورِ درون‌مایه‌های جغرافیایی و سیاسی‌اش جایی که «ژئو» (زمین) و «پلیتیک» (سیاست) در هم می‌آمیزند در قالب ژئوپلیتیک زیست محیطی به واکاوی رخدادها و مسائل برخاسته از کشمکش بر سر منابع طبیعی و کمبود منابع طبیعی پرداخته است. به گونه‌ای که برهم‌کنشی و درهم‌تنیدگی مفاهیم و مصادیق سیاست، قدرت و محیط زیست از پُر بسامدترین واژگان واکاوی جُستار محیط زیست از دهه ۱۹۸۰ به بعد بوده‌اند. از این دیدگاه، مناسبات قدرت و زیست‌کره به شدت به هم در آمیخته‌اند. چنین درهم‌آمیختگی در چارچوب دانش ژئوپلیتیک امکان بررسی و واکاوی می‌یابد. از آنجا که تهدیدات یاد شده، کارکرد و گستره‌ای کروی یافته‌اند، رویکردهای «نظامی و ملی محور» سنتی توان تبیین عوامل تهدیدات غیر سنتی را ندارند. بر این پایه، تبیین و مدیریت امنیت، سرشتی انسان محور با کُنشی مشترک و جهان گستر طلب می‌کند.

کلید واژگان: ژئوپلیتیک، امنیت، امنیت انسانی، امنیت زیست محیطی، گرمایش جهانی

^۱. نویسنده مسئول: تهران - خیابان شهید مفتاح - دانشگاه خوارزمی - دانشکده علوم جغرافیایی

مقدمه

طی چند دهه اخیر گزاره‌هایی همانند «کشمکش بر سر منابع طبیعی»، «کمبود منابع طبیعی»، «فروسای محیطی»، «گرمایش جهانی»^۱ و «نگرانی از پیامدهای اجتماعی و سیاسی آنها»، کانون ادبیات سیاست و امنیت زیست محیطی جهان بوده‌اند. گزاره‌های یاد شده درست همان جایی هستند که «ژئو» (زمین و زیست‌کره) و «پلیتیک» (سیاست و مناسبات قدرت) در هم می‌آمیزند. بر همین اساس، تغییرات بوم‌شناسی و سیاست‌های امنیتی جهان صنعتی، جغرافیای تهدیدات زیست محیطی، پیامدهای سیاسی، تأثیرات نظام جهانی از تخریب محیط زیست و پناهندگان زیست محیطی در حوزه مطالعات ژئوپلیتیک زیست محیطی قرار گرفته‌اند (<http://www.carleton.ca>). بی‌گمان، محیط زیست با جستارهای توسعه و امنیت واحدهای سیاسی نسبت مستقیم داشته است به گونه‌ای که هر گونه اختلال در کارکرد عناصر سازنده زیست بوم‌ها و زیست‌کره، زیست و مدنیت بشر را تهدید می‌کند. از آنجا که کارکرد بخش‌های مختلف زیست‌کره در هم تنیده و مرتبط‌اند. طی چند دهه اخیر، در نتیجه فزاینده‌ی مداخلات بهره‌کشانه انسان از بنیادهای زیستی و تشدید فقر، مسائلی همانند گرمایش جهانی و فروسای محیطی روند شتابانی یافته به گونه‌ای که امنیت آینده بشر را مبهم کرده است. بیم از چنین ناامنی‌هایی مطالعه تهدیدات زیست محیطی را کانون توجه مراکز پژوهشی و راهبردی قرار داده که ادبیات و دانش گسترده‌ای نیز در این باره گرد آمده‌است. این مراکز در قالب دانشواژه‌هایی چون سیاست زیست محیطی، اکوپولیتیک^۲، ژئوپلیتیک زیست محیطی، تهدیدات غیر سنتی، امنیت غیر سنتی و... به تبیین و تشریح وضعیت موجود و آینده پرداخته‌اند. با این حال، میزان اثرپذیری افراد و واحدهای سیاسی از مخاطرات محیطی (انسانی و طبیعی) همسان نیست حتی گاه منافع برخی از آنها در تشدید بحران‌های زیست محیطی همچون گرمایش جهانی، تغییر اقلیم جهانی و نابودی سازماندهای زیست‌کره در دیگر بخش‌های کره زمین است اما عموم پیش‌بینی‌ها گویای آن هستند که پیامد بحران‌های زیست محیطی، جهانی است و دیر یا زود زیست و بقاء کشورها و انسان‌ها را در اشکال تغییرات آب و هوایی، جنگل زدایی، پناهندگان زیست محیطی، امنیت غذایی، رشد جمعیت و نابود تنوع زیستی، آلودگی هوا و اقیانوس‌ها برخاسته از پویای صنعتی، مسائل ایمنی هسته‌ای، کاهش ازن، فرسایش خاک، کمبود و در عین حال

^۱. Global warming

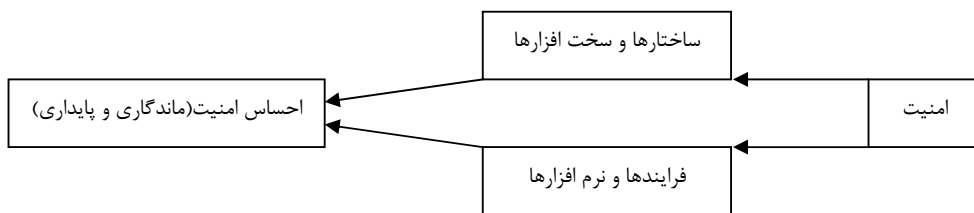
^۲. اکوپلیتیک رویکردی هم افزایانه به جستارهای بوم‌شناسی و سیاست است که در توسعه سیاست گذاری به هم وابسته‌اند و جنبه هم تکمیلی دارند. (<http://www.ecopolitics.ca>)

آلودگی منابع آب به ویژه آلودگی آب‌های زیر زمینی (Glenn & etc, ۱۹۹۸:۳۳) بالا آمدن سطح دریاها و نابودی سازه‌های کرانه‌ای، خشکیدن تالاب‌ها و رودها، ذوب یخزارهای قطبی، تندبادها و سیلاب‌ها، نابودی زیستگاه‌ها و کشت‌زارها، آلودگی آب‌های رو و زیر زمینی و... ابعاد مختلف امنیت (اقتصادی، غذایی، سلامت، محیطی، شخصی و سیاسی) انسانی و ملی را تهدید می‌کند. هراس از چنین پیامدهایی تا کنون بارها زمینه تشکیل نشست‌ها و همایش‌های مختلف منطقه و جهانی بوده است. نوشتار حاضر با رویکرد ژئوپلیتیک به دنبال تبیین نسبت امنیت با محیط زیست است.

الف. ادبیات پژوهش

۱- امنیت و تهدیدات غیر سنتی

امنیت^۱ احساس برخاسته از وجود ساختارها و فرایندهایی است که در پرتو آنها، فرد یا واحد خود را در برابر هر گونه گزند (عینی یا ذهنی) پایدار و ماندگار تلقی می‌کند به گونه‌ای که تأمین دیگر نیازهای فردی و جمعی خود را مستلزم وجود امنیت می‌داند. امنیت، مفهومی چند بعدی و پیچیده دارد که در ساخت پاره‌های مفهومی آن مجموعه اخلاقیات، آداب، سنن و دیگر شاخصه‌های اجتماعی نقش می‌آفرینند. از این رو، امنیت مقوله‌ای «زمینه‌مند» (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۸۱) و تابع وضعیت محیطی است که فرد یا جامعه را فراگرفته و به رفتار و کنش آنها جهت و معنا می‌دهد



شکل (۱) نسبت احساس امنیت با ساختارها و فرایندها (ترسیم از نگارنده)

بر این اساس، گوناگونی فضایی پدیده‌ها و پیدایش ساختارها و الگوهای فضایی، بر این اساس، کارکرد درون‌مایه‌های محیطی در قالب نظام توزیع، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و بنیادهای زیستی آن مجموعه است. از این رو، مفهوم امنیت با پیچیدگی و تنوع مفهومی و کاربردی مواجه

^۱. Security

می شود به گونه‌ای که مرز مفهومی و کاربردی آن با مفاهیمی همانند صلح، رفاه، عدالت، توسعه، اخلاق و... در هم می‌آمیزد و بر ابهام آن می‌افزاید. دستیابی به امنیت از جمله بُن‌مایه‌های شکل‌گیری واحدهای سیاسی بوده است تا از رهگذر آن، اعضای جوامع بتوانند به کمک هم، نیاز شان به تأمین امنیت را برآورند. با این حال، تا اواخر دهه ۱۹۸۰ موضوعات «سخت/سنتی» نظامی کانون مباحث امنیتی به شمار می‌رفت به عبارتی نگرشی تقلیل‌گرایانه به امنیت حاکم بود و امنیت در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح پس از جنگ (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳) و در چارچوب امنیت سرزمینی از تجاوز خارجی، امنیت برای حفظ استقلال ملی یا امنیت از جنگ هسته‌ای جهانی جستجو می‌شد. این برداشت از امنیت که در چارچوب مکتب واقع-گرایی سنتی تفسیر می‌شد بر دو فرض بنیادی استوار بود؛ نخست آنکه اغلب تهدیدات ضد امنیتی خاستگاهی برون مرزی دارند دیگر آنکه اغلب تهدیدات سرشتی نظامی دارند و عموماً نیز مستلزم پاسخی نظامی هستند. نظریه واقع‌گرایی برای سال‌ها مهم‌ترین پارادایم و منبع نظری فرایند شکل‌گیری سیاست بین‌الملل از رهگذر تصمیم‌گیری دولت‌ها بود و منبع نظری دو مفروض اصلی تعریف سنتی از امنیت به شمار می‌رفت. با فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ این پرسش پیش آمد که چرا ابرقدرت شرق با وجود توانش بالای نظامی، فروپاشید؟ این چالش نظری با گسترش فرآیند جهانی‌شدن و تحول مفهومی در حوزه امنیت همراه شد. در گستره جهانی شدن، دولت، دیگر یگانه بازیگر اصلی نیست بلکه سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، شرکت‌ها و افراد هم سر بر آورده‌اند. در این بازه زمانی، به فراخور پیچیده‌تر شدن مفهوم تهدید، اهمیت تعریف امنیت نیز در بعد نظامی فروکاست و تهدید، سرشت و کارکردی «ترم، غیرسنتی» و جهانی یافت و دیگر ابعاد امنیت یعنی امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی در چارچوب امنیت غیر سنتی طرح مسئله شدند به گونه‌ای که حتی امنیت نظامی تحت تأثیر ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی امنیت قرار گرفت. با پیچیدگی روابط بین‌الملل، همبستگی متقابل و همکاری روز افزون، جای ستیز و هم‌اوردی سنتی را گرفته‌اند و مقررات روابط بین‌الملل دنبال جلوگیری از جنگ و کشمکش هستند و مصالح و منافع مورد نظر دولت‌ها از گستره قدرت نظامی فراتر رفته (حجت‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۰) و مفاهیم جدیدی از امنیت و مفاهیم مرتبط با آن از جمله «امنیت انسانی»، «امنیت مشترک» و «امنیت جهانی» سر بر آورده است. این وضعیت در تحول مفهوم سنتی امنیت به مفهوم غیر سنتی تأثیر به‌سزایی داشت (Tsing, ۲۰۰۴: www.shvoong.com). از این رو، کشورها ناگزیر به رویارویی و پاسخگویی به تهدیدات و چالش‌هایی هستند که پیش از این در ادبیات امنیت نمود و جایگاهی نداشتند. تهدیدات امنیتی غیر سنتی توسعه، بقا و بهزیستی نوع بشر و دولت-

ها را با تهدیدات و چالش‌هایی جدی رویاروی می‌کنند. بر این اساس، تهدیدات امنیتی غیرسنتی ذاتاً غیر نظامی، نه کاملاً داخلی و نه کاملاً بین‌دولتی - و فراملی هستند که در نتیجه جهانی شدن و انقلاب ارتباطات به سرعت پخش می‌شوند. بدین معنا، تهدیدات غیرسنتی خطرناک‌تر از تهدیدات سنتی هستند زیرا:

۱- این تهدیدات نهادهای حکومتی و جمعیت‌های غیر نظامی (مدنی) را تهدید می‌کنند و خاستگاه آنها انسان غیر دولتی^۱ و عوامل طبیعی است. از این رو، تهدیدات ممکن است نتیجه اعمال مشخص اشخاص و گروه‌های اجتماعی باشند تا اقدامات دولتی. بر این اساس، وقوع تهدیدات غیر سنتی، پیش‌بینی‌ناپذیر است و افزایش تحرک و گسترش فعالیت افراد، شدت انتشار و تکثیر سریع آنها را در جهان تشدید می‌کند.

۲- اثرات غیر مستقیم این امور می‌توانند موجب زیان‌های هنگفت اقتصادی برای منطقه یا کل جهان شود همانند بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷. <http://www.globalindiafoundation.org>، ۲۰۱۱: Chaudhuri

امنیت غیر سنتی ماهیتی پیچیده دارد و شامل صدها تهدید (فروملی و فراملی) است و گستره فراخی است که شمار زیادی از بازیگران (دولتی و غیر دولتی) درگیر آن هستند و متأثر از برهمکنشی نیروهای فیزیکی متعارف، نیروهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی خشونت تولید می‌شود. (Pathania, ۲۰۰۳: ۷۵۱) شمار فزاینده‌ای از تهدیدات غیرسنتی که در این نوشتار ناظر بر جُستار محیط زیست است همانند، تجارت مواد مخدر، تروریسم بیولوژیک، تغییرات آب و هوایی، فروسایی محیطی فرامرزی، تهی‌سازی منابع، پیشامدهای طبیعی، بیماری‌های واگیردار، مهاجرت بی‌رویه، کمبود مواد خوراکی، گروه‌های تبهکاری فرامرزی، دولت‌های ورشکسته، رشد فزاینده بهای انرژی و مواد خوراکی، رکود اقتصاد جهانی و تشدید طوفان‌ها و سیلاب‌هایی که برابند پویش‌های انسانی و گرمایش جهانی به شمار می‌روند از جمله تحولات و تهدیدات دو دهه گذشته بوده‌اند که با خاستگاه‌های مختلف در سطح ملی و بین‌المللی سر برآورده‌اند که پیش از این، طی تاریخ حیات بشر بدین سان وجود نداشته به گونه‌ای که پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای کشورهای خاص یا جامعه بین‌المللی به دنبال داشته‌اند. این در حالی است که ناتوانی حکومت‌ها و مراکز پژوهشی در تبیین این تهدیدات بر وخامت اوضاع افزوده‌است. (Wang, ۲۰۰۳: <http://www.irchina.org>) این تحولات و رویدادهای مشابه برای توسعه پارادایم جایگزین در نظریه و عمل روابط بین‌الملل ایجاد انگیزه کرده‌اند به گونه‌ای که

^۱. Non-state human

توجه کمتری بر تهدیدات عرفی نظامی می‌شود و توجهات معطوف چالش‌های امنیتی غیر سنتی شده است. (Chaudhuri, ۲۰۱۱: http://www.globalindiafoundation.org)

جدول (۱) مقایسه چهار تفاوت میان دو دیدگاه امنیت سنتی و امنیت غیر سنتی (امنیت انسانی)

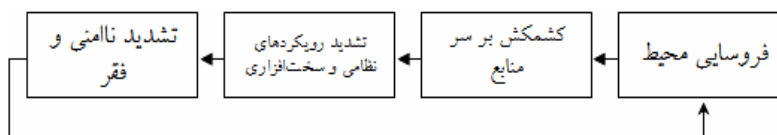
امنیت سنتی	امنیت انسانی	
سیاستگذاری امنیت سنتی برای ارتقاء مطالبات دولت طراحی شده است و مصالح دیگران را زیر مجموعه منافع دولت تعریف می‌کند. امنیت سنتی ناظر بر محافظت از مرزها، جمعیت‌ها، نهادها و ارزش‌های دولت است.	امنیت انسانی فرد محور است. کانون توجه اش اشخاص هستند. ابعاد مهم آن معطوف به بهزیستی افراد و پاسخی است به نیازهای معمول اشخاص در باره منابع تهدید	مرجع
امنیت سنتی دفاع از دولت را در برابر تجاوز خارجی جستجو می‌کند. امنیت دولت درباره توانایی دولت برای دفاع در برابر حمله است. استفاده از راهبرد باز دارندگی برای حفظ انسجام دولت و محافظت از سرزمین در برابر تهدیدات خارجی است	علاوه بر محافظت از دولت در برابر تجاوز خارجی، امنیت انسانی قلمرو محافظت را می‌گستراند که شامل دامنه‌ای از تهدیدات در قالب آلودگی زیست محیطی، بیماری‌های واگیر و محرومیت اقتصادی است.	قلمرو
دولت کنشگر اصلی تأمین بقاء خود است. قدرت تصمیم‌گیری در حکومت متمرکز است و اجرای راهبرد ها به ندرت عمومی می‌شود. مفروض امنیت سنتی این است که برای اجرای قواعد اداره امور بین المللی باید استیلای دولت در محیط هرج و مرج زده بین المللی برقرار باشد.	درک امنیت انسانی مستلزم وجود حکومت‌ها و مشارکت فراگیرتر کنشگران مختلف در اشکال سازمان های منطقه‌ای، بین‌المللی و سمن‌ها (سازمان‌های مردم نهاد) و جوامع محلی است.	کنشگر
امنیت سنتی مستند به تقویت قدرت ملی و دفاع نظامی است. اشکال متعارف آن شامل مسابقه تسلیحاتی، اتحادیه ها، مرزهای راهبردی و... است	امنیت انسانی به دنبال محافظت از افراد و جوامع در شکل توانمندسازی آنها به عنوان ابزار امنیت است و از رهگذر تعریف و اجرای امنیت، راهکار مشارکت را طرح می‌کند.	ابزارها

منبع: (http://en.wikipedia.org/wiki/Human_security)

۱-۱- امنیت زیست محیطی

پس از جنگ سرد، محیط زیست به عنوان کانون اصلی نگرانی‌ها و علت بالقوه کشمکش‌های سیاسی، سر برآورد (Dalby, ۲۰۰۳: ۵۰۷۳-۵۰۷۹) و پیامدهای بین‌المللی فروسایبی محیط زیست در بازنگری جستار امنیت جایگاه ویژه‌ای یافتند. (Dalby, ۱۳۳: ۲۰۰۲) طرح مفهوم امنیت زیست

محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی در میان کنشگران و بازیگران سیاسی، ناظر بر اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است.



شکل (۲) نمودار تأثیر فروسای محیطی بر تشدید ناامنی (ترسیم از نگارنده)

بر همین پایه تا کنون از امنیت زیست محیطی نیز تعاریف مختلفی به عمل آمده است که در ادامه به شماری از آنها اشاره می‌شود:

۱- امنیت زیست محیطی وضعیتی است که یک کشور یا یک منطقه از رهگذر حکمروایی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، گام‌های مؤثری به سوی ایجاد ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیت (اش) بردارد (FESS, <http://www.fess-global.org>: ۲۰۰۴).

۲- امنیت زیست محیطی محافظت از محیط طبیعی، منافع حیاتی شهروندان، جامعه و دولت از تأثیرات داخلی و خارجی (برخاسته از) روندها و تهدیدات منفی در توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیستی و عملکرد پایدار زیست بوم و بقای نوع بشر را تهدید می‌کند. بر این پایه، امنیت زیست محیطی بخش جدایی ناپذیر امنیت ملی است. (SCRF, ۱۹۹۵: <http://www.acunu.org>)

۳- امنیت زیست محیطی، حفاظت از منافع حیاتی فرد، جامعه و محیط زیست طبیعی در برابر تهدیدات برخاسته از برخوردهای انسانی و طبیعی در محیط زیست است (CIS, ۱۹۹۷: <http://www.acunu.org>).

۴- امنیت زیست محیطی، ایمنی عمومی نسبی از خطرات زیست محیطی با خاستگاه فرایندهای طبیعی و انسانی ناشی از جهالت، تصادف، سوء مدیریت یا عمد با منشاء درونی و در داخل مرزهای ملی است.

۵- امنیت زیست محیطی، پویای انسان-محیط است که شامل بازسازی محیط آسیب دیده از اقدامات نظامی و بهسازی وضعیت کمبود منابع ناشی از فروسای محیطی و تهدیدات بوم شناسی است که می‌تواند به نابسامانی‌های اجتماعی و کشمکش بیانجامد.

۶- امنیت زیست محیطی، محافظت از محیط کالبدی (فیزیکی) جامعه در عین تأمین نیازهای آن بدون کاهش ذخایر طبیعی است.

۷- امنیت زیست محیطی رهایی از بی ثباتی اجتماعی ناشی از فروسایمی محیط زیست است.

۸- امنیت زیست محیطی چرخه منابع طبیعی در تولید و مواد پسماند برای طبیعت است به شیوه ای که ثبات اجتماعی را ارتقاء دهد (۲۰۱۲: http://www.envirosecurity.orgIES)

بر این اساس، عناصر بنیادی امنیت زیست محیطی شامل: بهسازی (وضعیت) کمبود منابع طبیعی، حفظ سلامت محیط زیست، بهسازی فروسایمی محیط طبیعی، پیشگیری از نابسامانی اجتماعی و کشمکش و افزایش ثبات اجتماعی است. چنین ویژگی‌هایی محیط زیست را کانون مطالعات ژئوپلیتیک، علوم سیاسی و روابط بین الملل قرار داده است. متناسب با ورود مسائل و جستارهای زیست محیطی به عرصه صلح و امنیت بین المللی، اقدامات مختلفی برای مقابله با مسائل محیط زیست جهانی درباره تدوین و اجرای نظام‌های زیست محیطی بین المللی به عمل آمده است. نشست‌های مختلف (استهلک ۱۹۷۲، ریو ۱۹۹۲، کیوتو ۱۹۹۹، ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، دانمارک ۲۰۰۹ و...) کوشیده‌اند شیوه برداشت و مدیریت مسائل جهانی منابع و محیط زیست را تغییر دهند. (حیدری، ۱۳۸۱: ۴) از دیگر سو تضادها و کشمکش‌های برخاسته از کمبود منابع طبیعی و فروسایمی محیطی، گرمایش جهانی، تغییر اقلیم مناطق و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، محیط زیست را کانون مطالعات امنیتی کرده است (http://www.economist.com). بر پایه نظریه «چرخه تخریب محیط زیست» دگردیسی و تخریب هر کدام از سازمایه‌های زیست محیطی به صورت زنجیره‌ای زمینه بروز دیگر پیامدهای ناگوار زیستی و اجتماعی را فراهم می‌کند زیرا:

- ۱- تخریب محیط زیست باعث تهی‌سازی سرمایه‌ها می‌شود.
- ۲- تهی‌سازی سرمایه‌ها معادل نابودی فضای عملیاتی کره زمین است.
- ۳- نابودی فضای عملیاتی باعث فقرزایی، کمبود منابع و در نهایت روند نزولی ابعاد انسانی، اقتصادی و اجتماعی توسعه و نابودی محیط زیست می‌شود
- ۴- وجود این چرخه سبب نارضایتی مردم است
- ۵- نارضایتی مردم سبب بروز اختلال در کسب و کار، اقتصاد و اجتماع می‌شود (برارپور ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۱).



شکل (۳) نمودار چرخه فروسای محیطی و ناامنی اجتماعی (ترسیم از نگارنده)

اثر گلخانه‌ای ناشی از تغییرات آب و هوایی، کاهش ازن استراتوسفر، تخریب و نابودی زمین-های بارور کشاورزی، تخریب و پاکسازی جنگل‌ها، کاهش عرضه و آلودگی منابع آب شیرین و کاهش صید ماهی تغییرات زیست محیطی هستند که به عنوان علل کشمکش‌های خشونت‌آمیز گروه‌های اجتماعی شناسایی شده‌اند (<http://www.library.utoronto.ca>). که در جایگاه بحران‌ها و مسائل اکولوژیک سر بر آورده‌اند و زندگی میلیون‌ها تن را تهدید می‌کنند زیرا:

- ۱- بحران اکولوژیک در قالب امنیت غیر سنتی عامل کشتار و آسیب‌رسانی به شمار زیادی از افراد طی زمان بوده به گونه‌ای که تلفات آن بیش از تهدیدات نظامی بوده است. بنابراین، از نظر بی ثبات سازی منبع قابل توجهی است.
- ۲- امنیت اکولوژیک یا غیر سنتی تابعی از حفظ موازنه پویای میان انسان و طبیعت، انسان و دیگر گونه‌ها، انسان و عوامل بیماری‌زا و جوامع انسانی است.
- ۳- دگرگونی‌های جمعیتی به ویژه رشد جمعیت مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی کشورهای در حال توسعه است از آنجا که توانش‌های طبیعی نمی‌توانند مطالبات فزاینده جوامع را تأمین کنند مسائل مرتبط با امنیت اکولوژیک سر بر می‌آورند.

۴- تعمیق جهانی شدن و افزایش شهرنشینی زمینه تشدید بی ثباتی توازن میان جمعیت انسانی و عوامل بیماری‌زا است. فجایع اخیر بیماری‌های واگیردار نوپدید گویای گسترندگی جدی آن در آینده نزدیک است.

۵- گرمایش جهانی تأثیر مهمی بر مناسبات پیش گفته در حوزه امنیت اکولوژیک دارد: متأثر از طوفان و طغیان دریا، مناطق ساحلی با بزرگ‌ترین خطر مواجه خواهند بود. گرمایش جهانی زمینه بروز طاعون و دیگر عوامل بیماری‌زا را به ویژه بیماری‌های مناطق گرمسیری و انتقال به محدوده‌های غیر سنتی شان را فراهم می‌کند که بر گسیختگی تعادل اکولوژیک و کشمکش جوامع خواهد افزود (Yuan, ۲۰۱۱: ۳۳).

همان گونه که اشاره شد پایان جنگ سرد با خیزش روند جهانی شدن همراه شد در این میان، فروسایمی محیطی^۱ دریچه نوینی به جستار امنیت گشود. از آنجا که ماهیت تهدیدات و گفتمان‌های امنیتی پیوسته تغییر می‌کند این تغییر سرفصل‌های امنیتی به فراسوی دولت و امنیت نظامی کشیده شده است. با فروپاشی شوروی و دگرگونی در جهان سوسیالیسم، محیط راهبردی جهانی، گذار و شتاب فزاینده‌تری یافت. این تحولات که از قدرت نظامی - به عنوان اساس تعیین کننده در نظام و امنیت بین المللی کمتر تأثیر پذیرفته‌اند به شدت متأثر از چندین بخش غیر سنتی و نقش فزاینده نیروهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همراه بوده است. از آن زمان تا کنون، طرفداران رویکرد جایگزین به مطالعات امنیتی موقعیتی را که به واسطه آن امنیت، ماهیتی صرفاً نظامی دارد به چالش کشانده‌اند. پایان جنگ سرد تغییر در مطالعات و تحلیل امنیت و نظام جهانی را از چارچوب سنتی به رویکرد غیر سنتی در پی داشت (http://www.globalindiafoundation.orgChaudhuri, ۲۰۱۱:)

۳- ژئوپلیتیک زیست محیطی

برهمکنشی قدرت، سیاست و فضا، بن‌مایه دانش ژئوپلیتیک به شمار می‌رود که در چارچوب آن، هم افزایی و درهم تنیدگی مفاهیم و مصادیقی همانند دیپلماسی، مناسبات قدرت، سامانه جهانی، منافع و علائق بازیگران و کنشگران سیاسی، فضا، محیط جغرافیایی، فروسایمی زیست محیطی، گرمایش جهانی، تشدید چرخه فقر و کشمکش بر سر منابع طبیعی، پُر بسامدترین واژگان واکاوی جستار محیط زیست از دهه ۱۹۸۰ به بعد بوده‌اند. از این دیدگاه، سیاست و زمین (زیستکره) به شدت به هم در آمیخته‌اند. چنین درهم آمیختگی در چارچوب دانش ژئوپلیتیک امکان بررسی و واکاوی می‌یابد. تا کنون از ژئوپلیتیک تعاریف مختلفی به عمل آمده

^۱. Environmental degradation

است که در ادامه به چند تعریف از آن بسنده می شود: ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶) ژئوپلیتیک به مطالعه نظام‌های ژئوپلیتیک می‌پردازد. نظام ژئوپلیتیک مجموعه‌ای متمرکز بر روابط میان منافع بازیگران سیاسی بین‌المللی، علائق مرتبط با منطقه، فضا و عناصر جغرافیایی است (<http://www.websters-online-dictionary.org>). این رشته به مطالعه تأثیر جغرافیا بر روابط قدرت در سیاست بین‌المللی می‌پردازد (<http://www.merriam-webster.com>) همچنین کیفیت سازماندهی فضا به عنوان شکل خاصی از قدرت را بررسی می‌کند. (Lear, ۲۰۰۷: www.cwglO'Rutgers.edu) تنوع و تکثر تعاریف و درون‌مایه‌های ژئوپلیتیک گواه بر این است که طی یک صد سال اخیر ژئوپلیتیک از نظر مفهومی و کاربردی با دگرگونی‌های گفتمانی بسیار همراه بوده است. بی‌گمان، این دگرگونی‌ها تابعی از رویکرد پژوهشگر به منافع و امنیت ملی، شناخت منبع تهدید، تأثیرپذیری از مکاتب مختلف به ویژه واقع‌گرایی، تلفیق عناصر جغرافیایی با فرایندهای سیاسی و... بوده است. با این احوال، دو دوره زمانی می‌توان برای این دگرگونی‌ها پی گرفت. دوره نخست که از آن با عنوان ژئوپلیتیک سنتی یاد می‌شود و دوران دوم ژئوپلیتیک انتقادی. برش زمانی این دو را نیز می‌توان ویرانی دیوار برلین و فروپاشی شوروی در نظر گرفت. ژئوپلیتیک سنتی که با سنت واقع‌گرایی سیاسی هم‌نوایی بیشتری داشت عمدتاً از نظر مفهومی ناظر بر شاخصه‌های دولت مدرن و هم‌اوردی سیاسی- نظامی واحدهای سیاسی بود که جنگ و رویکرد نظامی شاخصه این دوره است و عمده تعاریف ناظر بر چنین فرایندهایی بود. پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی تمرکز بر دیگر تهدیدات از جمله فرایندهایی تهدید کننده امنیت منابع طبیعی و ناتوانی در برخورد با افزایش تقاضای روزافزون جمعیت کانون مطالعات ژئوپلیتیک قرار گرفت. افزون بر این، پس از حملات یازده سپتامبر در ایالات متحده پیکار با ترور و تروریسم که شامل تروریسم بیولوژیک هم می‌شود به عنوان محرک و گفتمان عمومی با ژئوپلیتیک زیست محیطی همراهی بیشتری نشان داد. داده‌ها و یافته‌های موجود نشان می‌دهند که تغییرات محیطی با خاستگاه انسانی یا طبیعی پیامدهای ژرفی بر نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند. طی یک صد سال اخیر توسعه فناوری، گسترش ابزارهای صنعتی، رشد فزاینده جمعیت به همراه تلاش گسترده برای تأمین نیازمندی‌های رو به فزونی آن، فروسای محیط زیست را در قالب تخریب و آلودگی عناصر و سازندگان زیست‌کره به دنبال داشته که نتیجه آن در شکل بحران و ناامنی جهانی نمود یافته است. داده‌ها و یافته‌های موجود گواه بر فزاینده دامنه فروسای در اشکال تغییرات آب و هوایی، بالا آمدن سطح دریا، آلودگی جوی، فرسایش خاک، تهدید تنوع گونه‌ها،

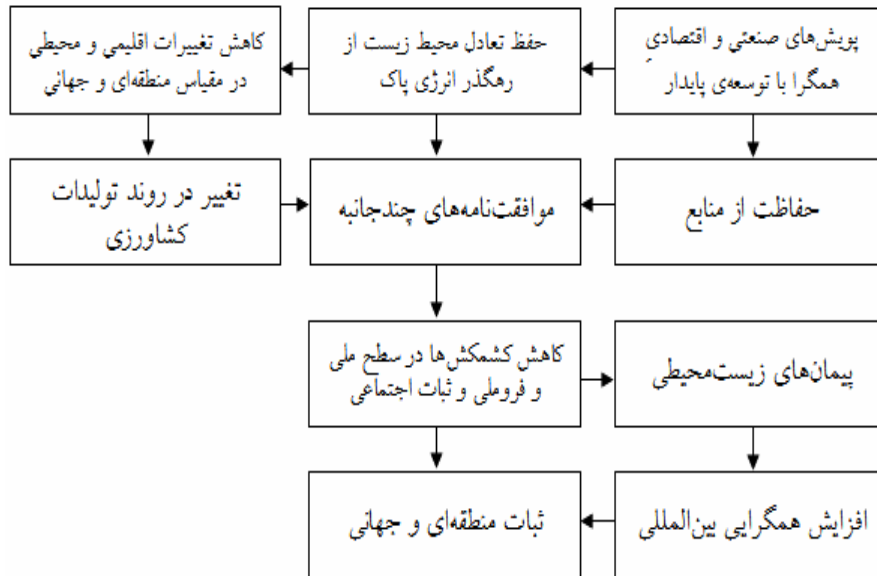
آلودگی پهنه‌های آبی، نابودی زیستگاه‌ها (گیاهی و جانوری) و صدها مسئله دیگر تخریب محیط زیست را با توجه به ابعاد امنیتی و کروی آن در متن تهدیدات غیر سنتی یا نو پدید قرار داده است (۲۰۰۱: www.seafriendsAnthon. Org). به گونه‌ای که محیط زیست مهم‌ترین مسئله امنیت ملی واحدهای ملی در سده بیست و یکم است. (تریف، ۱۳۸۱: ۳۷۴) بررسی پیامدهای فضایی تغییرات محیط زیست جهانی درست همان جایی است که ژئو (زمین) و پلیتیک (سیاست) در هم می‌آمیزند. بر این پایه، تغییرات آب و هوایی و پیامدهای برخاسته از آن سرشت و کارکردی ژئوپلیتیک دارند (۱۳۶۱-۱۳۷۵: Barnett, ۲۰۰۷). زیرا دگرگونی‌های محیط طبیعی به واسطه پهنه اثرگذاری و پیامدهایی که دارند می‌توانند عوامل اقتصادی، سیاسی و جمعیتی مؤثر در جغرافیای قدرت را متحول کنند (Nelson, ۲۰۰۸: <http://geography.uoregon.edu>).

ب. یافته‌های تحقیق

۱- پیامدهای امنیتی گرمایش جهانی

در دنیای جهانی شده امروز، تغییرات آب و هوایی، روندهای جمعیتی، امنیت غذایی، تامین انرژی، استفاده از آب، زمین و زیست بوم سرشتی هم‌افزا و متعامل یافته‌اند (Bosnjakovic, ۲۰۱۱: <http://www.dubrovnik2011.sdewes.org>; ۲۰۰۹). در سال‌های اخیر، تغییرات آب و هوایی به عنوان اصلی‌ترین چالش توسعه، پیامدهای جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به دنبال داشته است. (۲۰۰۱: <http://www.iisd.org>; IISD). در راهبرد امنیت ملی بریتانیا، تغییرات آب و هوایی به صورت بالقوه بزرگ‌ترین چالش ثبات و امنیت جهانی و به تبع امنیت ملی دانسته شده است. (دفتر نخست وزیری بریتانیا، ۱۳۸۹: ۳۱) پس‌روی یخچال‌های طبیعی، تغییر الگوهای بارش، افزایش نوسانات عرضه آب (خشک‌سالی و سیل) که زیست میلیون‌ها تن را متأثر کرده عمدتاً برخاسته از گرمایش جهانی بوده‌اند. گرمایش جهانی را عمدتاً برآیند دگرگونی‌های طبیعی و پویش‌های انسانی دانسته‌اند. پویش‌های انسانی باعث تولید گازهای گلخانه‌ای همچون دی‌اکسید کربن، بخار آب و متان می‌شود و این گازها با نگهداشت حرارت مانع از خروج انرژی گرمایی دریافتی از خورشید می‌شوند که نتیجه آن افزایش دمای زمین است. پیامدهای گرمایش زمین در قالب ذوب یخچال‌های طبیعی در قطب‌های زمین و تهدید منابع آب شیرین و بالا آمدن سطح آب دریاها، تغییر در الگوهای بارش، توسعه بیابان در مناطق گرمسیری، تغییر در شدت و تناوب پیشامدهای اقلیمی، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، نابودی گونه‌ها به ویژه در اقیانوس‌ها و دریاها، و... نمود می‌یابد. این دگرگونی‌ها خود زمینه‌ای برای تهدید

امنیت افراد و واحدهای سیاسی است که از آن میان می‌توان به تهدید سازه‌ها و ساکنان کرانه های آبی، رویداد سیل یا خشک سالی به ویژه در مناطقی با پوشش جنگلی تخریب شده، تهدید امنیت غذایی برخاسته از کمبود مواد خوراکی به دلیل خشکسالی، افزایش توفان‌ها و گردبادهای سهمگین، گسترش بیماری‌های عفونی و احتمال وقوع جنگ و کشمکش بر سر دسترسی به منابع غذایی و آب اشاره کرد. بی‌گمان، تغییرات آب و هوا پایه‌های اقتصاد کشاورزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه که اقتصادشان به نوعی در پیوند با کشاورزی قرار می‌گیرد را خواهد لرزاند (http://www.iisd.org, ۲۰۰۱: IISD). به همین دلیل در سال‌های اخیر، تغییرات آب و هوایی به عنوان چالش اصلی توسعه و متعارض با صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است زیرا تغییر آب و هوا می‌تواند امنیت غذایی را با چالش جدی مواجه کند. بر این اساس، جلوگیری از پیامدهای منفی تغییرات آب و هوایی و تطبیق نظام‌های غذایی با امنیت غذایی برای اقشار فقیر و آسیب‌پذیر توجهی فراتر از تولید صرف محصولات کشاورزی طلب می‌کند (Ziervogel, ۲۰۱۰: ۲۳۳) اگر روند تغییرات اقلیمی به صورت کنونی تداوم یابد کلیه زیست بوم‌های زیست‌کره متأثر خواهند شد و الگوهای مختلف اقتصادی و معیشتی که طی سده‌ها در همراهی با نظام تولیدات غذایی شکل گرفته‌اند دگرگون می‌شوند و ساختار که سامان جوامع دچار آشفتنگی خواهد شد. احتمالاً این تأثیرات مستقیم بیشتر آن دسته از کشورهایی را متأثر می‌کند که در برخورد با آن کمترین توانایی را دارند و موجب می‌شوند آن کشورها از نظر مصائب انسانی و بروز بی‌ثباتی، ورشکستگی دولت یا منازعه در سطح بالاترین احتمال قرار گیرند (دفتر نخست وزیری بریتانیا، ۱۳۸۹: ۳۱). پژوهش درباره امنیت زیست محیطی عمدتاً ناظر بر تبیین رابطه علی بین تغییرات زیست محیطی، تخریب محیط زیست و کشمکش‌های خشونت‌آمیز در شکل جنگ‌های تمام عیار و درگیری با شدت کمتر متمرکز بوده است که تغییرات آب و هوایی و پیامدهای امنیتی آن نیز در این حوزه قابلیت بررسی دارند (http://www.foi.se).



شکل (۴) نمودار تأثیر فروسایی محیط بر کشمکش‌های جهانی (ترسیم از نگارنده)

۲- امنیت انسانی و تغییرات اقلیمی

امنیت انسانی پارادایمی در حال ظهور برای درک آسیب‌پذیری‌های جهانی است که طرفداران مفهوم سنتی امنیت ملی را به چالش می‌کشاند و استدلال می‌کند که مرجع مناسب برای امنیت نه دولت بلکه باید فرد باشد. امنیت انسانی بر این باور است که برای ثبات ملی، منطقه ای و جهانی دیدگاهی انسان محور از امنیت لازم است (http://en.wikipedia.org/wiki/Human_security). امنیت انسانی صرفاً نبود جنگ نیست و نمی‌توان آن را در چارچوب شرایط نظامی درک کرد بلکه باید آن در بستری از توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، دموکراتیزه کردن، خلع سلاح، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون پی گرفت. (Schellnhube & Jaeger, ۲۰۰۶: ۱۱۲-۱۱۳) بر این پایه، امنیت انسانی ناظر بر کیفیت زندگی مردم یک جامعه و یا واحد سیاسی است. هر آنچه (همانند فشارهای جمعیتی، کاهش دسترسی به منابع و...) که آفت کیفیت زندگی را به همراه داشته باشد تهدیدی امنیتی است. در مقابل، هر آنچه (رشد اقتصادی، بهبود دسترسی به منابع، اجتماعی و توانمند سازی سیاسی و...) که کیفیت زندگی را ارتقا دهد تقویت کننده امنیت انسانی است. (Thakur, ۱۹۹۷: ۵۳-۵۴). فهرست بلندی از تهدید به امنیت انسانی وجود دارد که می‌توان آنها در چند عنوان کلی امنیت

اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی، امنیت شخصی^۱، جامعه امنیتی و امنیت سیاسی دسته‌بندی کرد. (<http://human-security.c.u-tokyo.ac.jp>) در این میان، استدلال قطعی بسیاری نظریات بر این است که تغییرات آب و هوا و کمبود منابع به کشمکش‌های خشونت آمیز و یا دست کم احتمال بالایی از خطر می‌انجامد (www.undp.org). تغییر در نظام آب و هوایی، انواعی از تغییرات و تهدیدات محیطی همانند فرسایش سواحل، کاهش بارش و رطوبت خاک، افزایش شدت طوفان، انواع مهاجرت و ... بر امنیت انسانی تحمیل کرده‌اند. (Barnetta & Adger ۲۰۰۷:۶۳۹-۶۵۵) پیامدهای تغییرات آب و هوایی در قالب کشمکش در مناطق مختلف جهان ظاهر شده که نتیجه آن کاهش گستره کشت‌زارها، کمبود فزاینده آب، کاهش ذخایر ماهی و مواد غذایی، افزایش سیل و خشک‌سالی دراز مدت جهان بوده است. تغییرات آب و هوا به تغییر الگوهای بارش و کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی دسترسی به آب شیرین در مناطق خاصی انجامیده است. با تشدید این وضعیت، کشاورزی با افت بهره‌وری مواجه می‌شود که برآیند آن ناامنی غذایی و افزایش ناپایداری بهای مواد خوراکی در سراسر جهان است. به طور خاص کمبود آب، زمینه بروز ناآرامی‌های داخلی را فراهم می‌کند که این وضعیت حتی می‌تواند اقتصادهای قوی را نیز آسیب‌پذیر کند که بی‌گمان پیامد آن در مناطق پُرجمعیت شدیدتر خواهد بود. (www.consilium.europa.eu) بر این اساس، امنیت زیست محیطی که برآیند مطالعات امنیت انسانی و تهدیدات زیست محیطی است ناظر بر حفاظت از افراد در برابر تهدیدات و نابسامانی‌های کوتاه یا بلند مدت با خاستگاه طبیعی یا انسانی است که به فروسای محیط زیست می‌انجامد. از بزرگترین تهدیدات زیست محیطی کشورهای در حال توسعه عدم دسترسی به منابع آب سالم و در کشورهای صنعتی آلودگی هواست (http://en.wikipedia.org/wiki/Environmental_security). در حال حاضر بیشتر پیامدهای تغییرات آب و هوایی تابعی از آسیب‌پذیری و تعامل با دیگر عوامل و زمینه‌های ژئوپولیتیک همانند تشدید تنش‌های موجود، بازخیزی تنش‌های تاریخی موجود و آزمون ظرفیت دولت برای محافظت و آماده‌سازی شهروندان است. (IUCN, ۲۰۰۹: <http://pubs.iied.org>)

^۱. Personal security

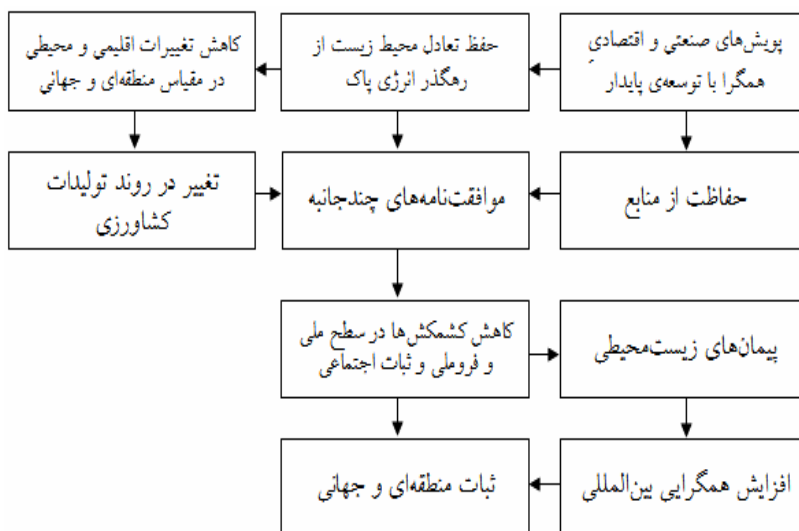
جدول (۲) نسبت عوامل ناامنی انسانی با تغییر اقلیم (Barnett and Adger, ۲۰۰۷:۱۴)

عوامل بروز تعارض	فرآیندهایی که تغییر اقلیم آنها را تشدید می کند
آسیب‌پذیری معیشت	تغییر اقلیم ممکن است موجب فشار گسترده بر کشاورزی، مناطق ساحلی، بروز بیماریهای حاد و دشواری دسترسی به آب است که پیامدهای معیشتی آن موجب افزایش آسیب‌پذیری مردم شود. در بخش‌هایی که جمعیت وابستگی بالایی به منابع طبیعی دارد و از منظر محیطی و اجتماعی، موقعیت حاشیهای دارند، فشارها، حساسیت‌ها و واکنش‌ها شدیدتر خواهد بود. برخی از پیامدهای تغییر اقلیم دیرپا (همانند کاهش تولید زمین‌های کشاورزی) و برخی گذرا (سیلاب‌ها) هستند.
فقر	بر اثر تمایزات فضایی ناشی از فشارهای اقلیمی و حساسیت‌های مکانی، مقوله فقر (به ویژه محرومیت نسبی)، نمودهای متفاوتی دارد. تغییر اقلیم ممکن است از طریق نابودی زمینه‌های دسترسی به سرمایه طبیعی، مستقیماً به تشدید فقر مطلق، نسبی و گذرا بیانجامد. همچنین، با متأثر کردن بخش منابع و دولت، به طور غیر مستقیم، سبب تشدید فقر شود. فشارهای ناشی از تغییر اقلیم بر دامنه آسیب‌پذیری برخاسته از فرایندهای سیاسی و اقتصادی می‌افزاید.
دولت ضعیف	فشارهای ناشی از تغییر اقلیم احتمالاً سبب افزایش هزینه دسترسی به زیرساخت‌های عمومی همانند منابع آب، خدماتی همچون آموزش و پرورش و کاهش درآمدهای دولت می شود. از این رو، تغییر اقلیم ممکن است سبب کاهش توانایی دولت در ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای افراد شود
مهاجرت	مهاجرت واکنش کسانی است که معیشت‌شان بر اثر تغییرات اقلیم نابود شده و ناگزیر از تصمیم به مهاجرت هستند. در عین حال، ممکن است زمینه تشدید جنبش‌های (اعتراضی) مردم در جوامع میزبان شود.

۳- امنیت فراگیر

امنیت، مفهومی گشوده و گسترده است و تنها در صورتی عملیاتی می شود که ابعاد مختلف آن در اندازه قابل پذیرشی، تعالی، عدالت، رفاه و توسعه واحدها را رهاورد خود کرده باشد. بر این اساس، امنیت ماهیتی ایجابی دارد تا سلبی. از این رو، کارکرد تهدیدات غیرسنستی در حوزه گفتمان امنیت زیست محیطی در تأمین امنیت واحدها (فرد، دولت و سازمان) مستلزم همگرایی منطقه‌ای و همکاری جهانی است به گونه ای که تغییر در تعریف و خاستگاه تهدید در ژئوپلیتیک زیست محیطی، اصالت کشمکش و ستیزش را به اصالت همگرایی و همکاری دگرگون کرده است. در این گفتمان، مناسبات انسان با محیط طبیعی زیست‌کره سرشتی متعامل و هم افزا دارد. از این رو، کوشش برای تأمین امنیت زیست محیطی که بخش جدایی ناپذیر امنیت ملی شده است در تدوین راهبردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی، آن را در اندازه سیاست

های عالی قرار داده است. اساساً ماهیت تهدیدات در این گفتمان برون از توان واحدهای سیاسی به شمار می رود و مدیریت بحران‌های نوپدید زیست محیطی مستلزم تعریف سازکار مشارکت همه واحدها در گستره مدیریت و حاکمیت جهانی است. همچنان که اشاره شد پیامدهای امنیتی برخاسته از تهدیدات غیر سنتی در حوزه محیط زیست سرشتی هم افزا دارند به گونه‌ای که غالباً همدیگر را تقویت می کنند. بی‌گمان، مدیریت و رفع تهدیداتی که بعد جهانی دارند آنگاه کارآمد می نماید که همکاری جهانی را کسب کند. از این رو، امنیت جهانی مستلزم اقداماتی فراتر از مرزهای ملی است. امروزه حفاظت از انسان‌ها محدود به درون حاکمیت‌ها نیست و هیچ نهاد یا گروهی نمی‌تواند و نشاید که در برابر ناامنی دیگران بی‌تفاوت بماند.



شکل (۵) نمودار تأثیر تغییرات اقلیمی بر امنیت زیست محیطی (ترسیم از نگارنده)

نتیجه‌گیری

طی چند دهه گذشته سرشت، کارکرد و قلمرو اثرگذاری عوامل ناامن‌کننده‌ای جهان با عوامل سنتی تهدیدکننده آن، تفاوت اساسی یافته‌اند به گونه‌ای که امنیت و ناامنی که پیش از این از رهگذر رویکرد سخت افزاری و بر بنیاد منافع و علائق ملی پیگیری می‌شد از منظر مفهومی و مصداقی، ابعاد فراگیر، مشترک و جهانی یافته است. در این میان، برخاسته از پویایی‌های انسانی که در اشکال فروسای محیطی و گرمایش جهانی نمود یافته کلیت زیست‌کره در

حال تهدید است که تداوم آن مانایی و پایایی انسان را جدای از پیوندهای سرزمینی و ملی‌اش تهدید می‌کند. این تهدیدات به گونه «کشمکش بر سر منابع طبیعی» و «کمبود منابع طبیعی» در تقویت رویکرد امنیت زیست محیطی و بوم‌شناسی تأثیر بسزایی داشته است. بر پایه چنین برداشت‌ها و ذهنیت‌هایی، برهم‌کنشی و درهم‌تنیدگی مفاهیم و مصادیق سیاست، قدرت و محیطی زیست، پُر بسامدترین واژگان واکاوی جستار محیط زیست از دهه ۱۹۸۰ به بعد بوده‌اند. از این دیدگاه، مناسبات قدرت و زیست‌کره به شدت به هم در آمیخته‌اند. چنین درهم آمیختگی در چارچوب دانش ژئوپلیتیک امکان بررسی و واکاوی می‌یابد. در این چارچوب با توجه به جهانی شدن تهدیدات، «انسان» و «تداوم حیات» کانون مطالعات امنیتی قرار گرفته است. بر این اساس، مدیریت تهدیدات غیر سنتی مستلزم رویکردی مشترک، فراگیر و جهانی است که ثبات و امنیت جهانی رهاورد آن خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳) **روش و نظریه در امنیت پژوهی**، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲. برارپور، کوروش (۱۳۸۷) **بررسی علل و پیامدهای وقوع چرخه تخریب محیط زیست در کلاردشت**، فصلنامه محیط‌شناسی، سال سی و چهارم، شماره ۴۵، بهار.
۳. بوزان، باری (۱۳۷۸) **مردم، دولت‌ها و هراس**، چاپ اول، ترجمه و انتشارات چاپ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۱) **رویکرد زیست محیطی، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، گردآوری و تدوین اصغر افتخاری.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، چاپ اول، انتشارات پاپلی (امیرکبیر).
۶. حجت‌زاده، عبدالحسین (۱۳۷۹) **چالش‌های امنیتی جهان در آغاز قرن ۲۱**، گفتمان امنیت ملی، مؤسسه مطالعات سیاسی و فرهنگ اندیشه ناب.

۷. حیدری، غلامرضا (۱۳۸۱) ایالات متحده آمریکا و رژیم امنیت زیست محیطی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل، به راهنمایی ابومحمد عسکرخانی، دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۸. دفتر نخست وزیری بریتانیا (۱۳۸۹) *استراتژی امنیت ملی بریتانیا*، ترجمه محمد جمشیدی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Anthoni, J Floor (۲۰۰۱) *Summary of threats to the environment*. At: www.seafriends.org.nz/issues/threats.htm. ۲۰۱۱/۱۰/۲۳

Barnett, Jon (۲۰۰۷) *the Geopolitics of Climate Change*. Geography Compass. NO ۱/۶

Barnett, Jon., and Adger Neil, Human (۲۰۰۷) Security and Climate Change. *Political Geography* ۲۶.

Barnetta, Jon, and, Adger, Neil, (۲۰۰۷) *Australia b Tyndall Centre for Climate Change Research* and CSERGE, School of Environmental Sciences, University of East Anglia, and Norwich NR۴ ۷TJ, UK. Political Geography: ۲۶

Bosnjakovic, Branko (۲۰۰۹) SPECIAL SESSION: *Geopolitics of Climate Change*. At: <http://www.dubrovnik۲۰۱۱.sdewes.org/special.php>. ۲۰۱۲/۳/۱۲

Bosnjakovic, Branko (۲۰۰۹) SPECIAL SESSION: *Geopolitics of Climate Change*. At: <http://www.dubrovnik۲۰۱۱.sdewes.org/special.php>. ۲۰۱۲/۲/۲

Chaudhuri, Saurabh (۲۰۱۱) *DEFINING NON-TRADITIONAL SECURITY THREATS* .from [http:// www .globalindiafoundation .org/nontraditionalsecurity.htm](http://www.globalindiafoundation.org/nontraditionalsecurity.htm). ۲۰۱۱/۹/۲۳

Commonwealth of Independent States (CIS) (۱۹۹۷) *On Principles of Environmental security in the Commonwealth states*. At: <http://www.acunu.org/millennium/es-2def.html>

Dalby Simon (۲۰۰۲) *Environmental security of Minnesota Press*, Political Science

Dalby, Simon (۲۰۰۳) *Environmental Insecurities: Geopolitics, Resources and Conflict Environmental*. ۲۰۱۱/۱۲/۱۲

Foundation for Environmental Security & Sustainability(FESS), (۲۰۰۴) at: <http://www.fess-global.org>. ۲۰۱۱/۱۲/۳

Glenn. Jerome, Gordon Theodore., and Perelet, Renat (۱۹۹۸) Editor: *Molly Landholm December Army Environmental Policy Institute Defining Environmental Security*: Implications for the U.S. Army

http://en.wikipedia.org/wiki/Environmental_security. ۲۰۱۱/۷/۹

http://en.wikipedia.org/wiki/Environmental_security. ۲۰۱۱/۱۲/۳

http://en.wikipedia.org/wiki/Human_security. ۲۰۱۱/۱۰/۱۱

http://en.wikipedia.org/wiki/Human_security. ۲۰۱۱/۱۰/۱۲

<http://c.u-tokyo.ac.jp/eng/human-security> ۲۰۱۱/۹/۲۳

<http://www.carleton.ca/cu9900uc/course/45/440.html>. ۲۰۱۱/۲/۲۳

<http://www.economist.com/node/16539538>, *Economist*. Does a warming world really mean that more conflict is inevitable? ۲۰۱۰/۷/۸

<http://www.ecopolitics.ca/introduction.php>. ۲۰۱۲/۲/۲۳

<http://www.foi.se/upload/projects/Africa/FOI-R--2377--SE.pdf>. ۲۰۱۲/۱/۲۳

<http://www.library.utoronto.ca/pcs/evidence/evid1.htm>. ۲۰۱۲/۲/۱۱

<http://www.merriam-webster.com/dictionary/geopolitics>. ۲۰۱۲/۱۱/۱۰

Institute for Environmental Security (IES), (۲۰۱۲) At: <http://www.envirosecurity.org>

International Institute for Sustainable Development (IISD) (۲۰۰۱) *Livelihoods and Climate Change*. At: http://www.iisd.org/cristaltool/documents/LivelihoodsAndClimateChange_2003.pdf. ۲۰۱۱/۹/۱۱

International Institute for Sustainable Development (IISD) (۲۰۰۱) *Livelihoods and Climate Change*. At: http://www.iisd.org/cristaltool/documents/LivelihoodsAndClimateChange_2003.pdf. ۲۰۱۲/۳/۵

IUCN (International Union for Conservation of Nature (۲۰۰۹) *Dry land Opportunities*. At: <http://pubs.iied.org/pdfs/G-۲۵۷۲.pdf>

Nelson, Lise (۲۰۰۸) *Space, place, power*. At: <http://geography.uoregon.edu/nelson/WEB-Nelson-Gradseminar-Space-place-power.pdf>. ۲۰۱۱/۵/۵

O'Lear, Shannon (۲۰۰۷) *Environmental Geopolitics* at: www.cwgl.Rutgers.edu/globalcenter/charlotte/humansecurity.pdf. ۲۰۱۲/۳/۲

Pathania Jyoti (۲۰۰۳) BANGLADESH: *Non-traditional security, South Asia* Analysis Group Paper no. ۷۵۱

Thakur, Ramesh (۱۹۹۷) *From National to Human Security*. Asia-Pacific Security: The Economics-Politics Nexus. Eds. Stuart Harris and Andrew Mack. Sydney: Allen & Unwin.

The Security Council of the Russian Federation (SCRFF) (۱۹۹۵) *Environmental security of Russia*, issue ۲. <http://www.acunu.org/millennium/es-2def.html>

Tsing, Hua (۲۰۰۴) *the UN Security Concept and Non-Traditional Security*. At: <http://www.shvoong.com/social-sciences/1604943-security-concept-non-traditional-security>. ۲۰۱۱/۱۲/۲۳

United Nations Development Program (UNDP). (۱۹۹۴) *Human Development Report ۱۹۹۴*. New York: Oxford University Press, ۲۳.
<http://www.undp.org/hdro/۱۹۹۴/۹۴.html>. ۲۰۱۲/۹/۱

Wang, Yizhou (۲۰۰۳) **Defining Non-Traditional Security and Its Implications for China**. At: http://www.irchina.org/en/pdf/wyz_07a.pdf. ۲۰۱۲/۲/۱۱

www.consilium.europa.eu/uedocs(۲۰۰۸) *The High Representative and the European Commission to the European Council*, ۲۰۰۸, CLIMATE CHANGE AND INTERNATIONAL SECURITY, ۲۰۱۱/۱۱/۲۴

YUAN, Shaofeng (۲۰۱۱) *Study on Regional Land Ecological Security Evolvement: A Case of Hangzhou*. Journal of Cambridge Studies. Vol.۶ No.۱.

Ziervogel Gina & Ericksen Polly J(۲۰۱۰) *Adapting to climate change to sustain food security*. pub: John Wiley & Sons .۲۰۱۲/۱/۱۲